

## وضعیت فقهی و حقوقی طفل ناشی از تجاوز از نسب تا سرپرستی

فاطمه ولی زاده

دانشجو کارشناسی فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه بین المللی مذاهب اسلامی تهران، ایران

### چکیده

پدیده تولد طفل ناشی از تجاوز جنسی، یکی از پیچیده‌ترین و چالش‌برانگیزترین مسائل حقوقی و فقهی در نظام‌های حقوقی معاصر و به‌ویژه در نظام جمهوری اسلامی ایران است. این مقاله با هدف بررسی وضعیت فقهی و حقوقی این اطفال، از منظر اثبات یا نفی نسب، آثار مترتب بر نسب (مانند ارث، حضانت و ولایت)، و مسئله سرپرستی و حقوق شهروندی آن‌ها نگارش یافته است. پرسش‌های اصلی پژوهش آن است که: آیا امکان اثبات نسب برای طفل ناشی از تجاوز وجود دارد؟ چه احکام فقهی و حقوقی بر این نسب مترتب است؟ و نظام سرپرستی این اطفال بر چه مبانی فقهی و قانونی استوار است؟ روش تحقیق توصیفی - تحلیلی بوده و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، آراء فقها و تحلیل قوانین موضوعه، تلاش شده است تا دیدگاه‌های مختلف در این زمینه مورد بررسی و نقد تطبیقی قرار گیرد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که گرچه در فقه امامیه، اغلب فقها نسب طفل ناشی از زنا یا تجاوز را به زانی منتسب نمی‌دانند، اما در حقوق ایران، به‌ویژه با توجه به مصالح عالیه طفل و اصول حقوق بشری، زمینه‌هایی برای حمایت از این اطفال، به‌ویژه در بحث سرپرستی و حق برخورداری از هویت و حمایت اجتماعی، پیش‌بینی شده است. در پایان، مقاله با ارائه راهکارهایی برای رفع خلأهای تقنینی و تبیین حقوق این اطفال، تلاش دارد بستری برای بازنگری در رویه‌ها و سیاست‌های حمایتی فراهم سازد.

**واژه های کلیدی:** طفل ناشی از تجاوز، نسب، حضانت و کفالت، اصلاح قوانین، مصلحت طفل، بی هویتی حقوقی، حقوق کودک

### مقدمه

تجاوز جنسی به‌عنوان یکی از مصادیق بارز تعدی به تمامیت جسمانی، حیثیت و کرامت انسان، در فقه امامیه و نظام حقوقی ایران به‌شدت تقبیح و جرم‌انگاری شده است. یکی از دشوارترین آثار این جرم، تولد طفل ناشی از این رابطه است؛ طفلی که در نظام‌های سنتی فقهی، به‌دلیل عدم مشروعیت رابطه‌ی میان والدین، از انتساب نسب شرعی و آثار حقوقی آن محروم تلقی می‌شود. در فقه امامیه، چنین طفلی غالباً به «ولد زنا» تعبیر شده و آثار نسب مشروع از جمله ارث، ولایت، حضانت و نفقه از او سلب می‌گردد. این در حالی است که از منظر کرامت انسانی، کودک مزبور نه تنها بی‌گناه، بلکه مستحق بیشترین حمایت اجتماعی، در بستر نظام حقوقی ایران نیز است، که از فقه شیعه امامیه متأثر است، وضعیت طفل ناشی از تجاوز با ابهامات و خلأهای قانونی جدی همراه است. نظام قانونی ما در بسیاری موارد از جمله در خصوص اثبات نسب، ارث‌بری، ولایت قهری، حضانت و سرپرستی این اطفال، سکوت کرده یا احکام سنتی فقهی را بی‌چون‌وچرا پذیرفته است؛ در حالی که با گسترش

جرایم جنسی، افزایش بارداری‌های ناخواسته ناشی از تجاوز، و آثار روانی و اجتماعی عمیق این پدیده بر مادر و طفل، دیگر چشم‌پوشی از این خلأها قابل قبول نیست.

از سوی دیگر، تضاد عمیقی میان دو رویکرد به چشم می‌خورد:

از یک‌سو، رویکرد مشروع‌گرایانه‌ی فقهی که رابطه‌ی جنسی غیرقانونی را فاقد آثار مدنی و شرعی می‌داند، و از سوی دیگر، ضرورت حمایت از طفل بی‌گناه، با تمسک به اصولی چون قاعده لاضرر، قاعده عدالت، حفظ نظام، و قاعده مصلحت طفل و همچنین حقوق بشر. همین تعارض، نقطه عزیمت این تحقیق را شکل می‌دهد.

اهمیت و ضرورت این مقاله بر این است که در عصر کنونی که جامعه با گسترش پرونده‌های تجاوز و پیچیده‌تر شدن مسائل مربوط به حقوق اطفال مواجه است، پاسخ‌گویی فقهی و حقوقی به وضعیت این کودکان، به یک ضرورت اجتماعی، فقهی، قضایی و حتی بین‌المللی بدل شده است. خلأ تقنینی و رویه‌ای موجود، همراه با آسیب‌های روانی، اجتماعی و خانوادگی تحمیلی بر مادر و کودک، نیازمند بازنگری و اجتهاد نوین در فقه و اصلاح در نظام تقنینی کشور است. بی‌توجهی به این موضوع، موجب نقض حقوق کودک، افزایش آسیب‌های اجتماعی، و حتی زیر سوال رفتن اعتبار نظام عدالت اجتماعی می‌شود.

هدف از نوشتن این مقاله تبیین وضعیت فقهی و حقوقی طفل ناشی از تجاوز از منظر منابع معتبر فقه امامیه و قوانین موضوعه ایران، تحلیل و بررسی آثار نسب (اعم از ارث، ولایت، حضانت، نفقه) در خصوص این طفل شناسایی خلاهای قانونی و چالش‌های قضایی موجود در مواجهه با این موضوع، بررسی ظرفیت‌های فقهی، حقوقی، تطبیقی و پزشکی قانونی در راستای حمایت از این طفل و مادر، ارائه راهکارهای اصلاحی و حمایتی مبتنی بر فقه، حقوق و حقوق بشر برای حل این معضل است.

این مقاله می‌کوشد با طرح پرسش‌هایی بنیادین، مسئله را از ابعاد مختلف فقهی، حقوقی، پزشکی قانونی، و حقوق بشری بررسی نماید با پرسش‌هایی نظیر:

طفل ناشی از تجاوز، از منظر فقه امامیه و حقوق ایران، واجد نسب معتبر است؟

چه وضعیت‌هایی از حیث ارث، ولایت، حضانت و شناسنامه در مورد این طفل وجود دارد و آیا امکان شناسایی سرپرستی قانونی برای وی وجود دارد؟

وضعیت اثبات وقوع تجاوز و بارداری ناشی از آن از نظر پزشکی قانونی چگونه است و چه خلأها و موانعی در شناسایی پدر ژنتیکی وجود دارد؟

چه آسیب‌های اجتماعی و روانی متوجه مادر و کودک است و فقه و حقوق چه راه‌حل‌هایی برای کاهش این آسیب‌ها پیشنهاد می‌دهد؟

آیا موازین حقوق بشر و کنوانسیون‌های بین‌المللی می‌توانند مبنایی برای بازاندیشی در احکام سنتی قرار گیرند؟

در پاسخ به این سؤالات، مقاله بر پایه‌ی چند فرضیه محوری بنا شده است:

فقه امامیه با تأکید بر مشروعیت نسب، طفل ناشی از تجاوز را از حقوقی چون ارث، ولایت و حضانت محروم می‌داند.

قوانین ایران در خصوص وضعیت این طفل دارای خلأها و ابهامات جدی‌اند و پاسخ روشنی برای مسائل جدید ارائه نمی‌دهند.

امکان تعیین سرپرست قانونی یا اجتماعی برای طفل، حتی بدون اثبات نسب مشروع، با تمسک به مصلحت طفل، قواعد عمومی حقوق، و اصول فقهی ممکن است.

اثبات تجاوز و شناسایی پدر از طریق آزمایش DNA هرچند از منظر علمی ممکن است، ولی در عمل با موانع جدی قانونی و قضایی روبه‌روست.

حمایت از این طفل و مادر آسیب‌دیده، از جمله حقوق مسلم انسانی و مبتنی بر قواعد بین‌المللی حقوق کودک است که لزوم اصلاح دیدگاه‌های تقنینی و فقهی را ایجاب می‌کند.

از منظر پزشکی قانونی، چالش‌هایی نظیر تشخیص دقیق تجاوز، اثبات بارداری ناشی از آن تعیین پدر بیولوژیک و زمان وقوع نزدیکی، بر پیچیدگی این موضوع افزوده است. همچنین آسیب‌های روانی، اجتماعی و خانوادگی که متوجه مادر می‌شود، به همراه وضعیت مبهم طفل از حیث هویت، شناسنامه، آینده تحصیلی و اجتماعی، جامعه را در برابر مسئولیتی سنگین قرار می‌دهد.

بر این اساس، ضرورت تبیین دقیق مبانی فقهی، تحلیل تطبیقی با نظام‌های حقوقی دیگر، تفسیر موسع قوانین، و بهره‌گیری از اصول حقوق بشر، در جهت ارائه راهکارهایی حمایتی، منصفانه و عادلانه برای این طیف از کودکان و مادران ایشان، بیش از پیش احساس می‌شود. این مقاله بر آن است تا با رویکردی عدالت محور و با اتکاء بر مبانی متقن فقهی و حقوقی، گامی در جهت شفاف‌سازی و اصلاح نگرش نسبت به طفل ناشی از تجاوز بردارد.

### پیشینه پژوهش:

موضوع وضعیت فقهی و حقوقی طفل ناشی از تجاوز، به‌رغم اهمیت بالای اجتماعی، اخلاقی و حقوقی آن، تاکنون به‌صورت جامع و نظام‌مند مورد پژوهش‌های مستقل و بین‌رشته‌ای قرار نگرفته است. اکثر تحقیقات موجود، یا به‌صورت ضمنی و در قالب بررسی احکام زنا، نسب، ارث یا حضانت، به موضوع پرداخته‌اند، یا صرفاً از زاویه حقوق کودک یا حقوق خانواده به آن نگاه کرده‌اند. در این میان، برخی آثار قابل توجه به شرح زیر است:

دکتر محمد صادقی و دکتر حسن مرادی در مقاله‌ای با عنوان "تحلیل فقهی حقوقی وضعیت طفل ناشی از زنا" (منتشر شده در فصلنامه «پژوهش‌نامه فقه و حقوق»، سال پنجم، شماره ۱۹، ۱۳۹۹) به بررسی نظرات فقهی در زمینه نسب، ارث و سرپرستی طفل ناشی از زنا پرداخته‌اند؛ اما به موضوع تجاوز و بارداری اجباری یا چالش‌های پزشکی قانونی و هویتی وارد نشده‌اند.

دکتر محمود عباسی در مقاله "چالش‌های حقوقی کودک بی‌هویت در ایران با تأکید بر اسناد بین‌المللی" (فصلنامه مطالعات حقوق تطبیقی، سال ۹، شماره ۳۵، ۱۳۹۶) به مسئله فقدان هویت قانونی در کودکانی که از روابط خارج از چارچوب ازدواج به دنیا آمده‌اند می‌پردازد؛ ولی تمرکز او عمدتاً بر جنبه‌های حقوق بشر و ثبت‌احوال است.

دکتر احمدرضا خلیلی در پایان‌نامه دکتری خود با عنوان "بررسی تطبیقی حقوق طفل ناشی از زنا در فقه امامیه و حقوق ایران" (دانشگاه قم، ۱۳۹۷) به مقایسه مبانی فقهی و قانونی در باب نسب، ارث، و ولایت پرداخته، اما زاویه ورود او عمدتاً از منظر فقهی کلاسیک بوده و از منظرهای پزشکی قانونی، روان‌شناختی و تطبیقی استفاده نکرده است.

در حوزه پزشکی قانونی، دکتر عباس زارعی و دکتر مریم طالب‌پور در مقاله "چالش‌های حقوقی اثبات بارداری ناشی از تجاوز جنسی در نظام کیفری ایران" (فصلنامه پزشکی-حقوقی عدل، شماره ۱۲، سال ۱۴۰۰)، به بررسی مشکلات اثبات تجاوز و نطفه حرام با ابزارهایی چون DNA پرداخته‌اند، اما به آثار مدنی ناشی از آن بر طفل توجه چندانی نشده است.

در حوزه حقوق بشر، دکتر ناهید یوسف‌زاده در مقاله "حقوق کودک در اسلام و اسناد بین‌المللی: تقابل یا تعامل؟" (فصلنامه حقوق بشر اسلامی، سال ۴، شماره ۱۴، ۱۳۹۸) با استناد به کنوانسیون حقوق کودک (CRC)، لزوم حمایت از کودک بدون تبعیض ناشی از نحوه تولد را مطرح می‌کند و به تعارض آن با فقه سنتی اشاره دارد، اما تحلیل فقهی تفصیلی ارائه نشده است.

مطالعه‌ی پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که موضوع وضعیت طفل ناشی از تجاوز به‌عنوان پدیده‌ای خاص، مستقل و میان‌رشته‌ای (در تقاطع فقه، حقوق، پزشکی قانونی، و اسناد حقوق بشری)، هنوز به‌طور جامع، تحلیلی و نوآورانه مورد مطالعه قرار نگرفته است. عمده آثار موجود یا به زنا و آثار آن به‌صورت کلی پرداخته‌اند

یا تنها یک بُعد از مسئله (فقهی، حقوقی یا پزشکی قانونی) را بررسی کرده‌اند یا فاقد تحلیل تطبیقی و راهکارهای اصلاحی مبتنی بر مبانی فقه امامیه و نظام حقوق بشر هستند.

بنابراین، مقاله حاضر با هدف تبیین چندبُعدی وضعیت طفل ناشی از تجاوز از منظر فقه امامیه، حقوق ایران، پزشکی قانونی و اسناد بین‌المللی درصدد پر کردن این خلأ پژوهشی و ارائه راه‌حل‌های نظری و کاربردی برای نظام حقوقی ایران است.

## بخش اول: مبانی نظری و فقهی تجاوز و زنا

### ۱- تعریف مفهومی زنا و تجاوز جنسی

#### الف) تعریف فقهی زنا

در فقه امامیه، زنا به «آمیزش جنسی (وطی) مرد و زن بی‌آنکه میان آن دو رابطه‌ی زوجیت یا شبهه‌ی آن برقرار باشد» گفته می‌شود. بر اساس تعریف مشهور فقهای امامیه از جمله شیخ طوسی در الخلاف و علامه حلی در تذکره الفقهاء، زنا عبارت است از:

إبلاج الرجل فی فرج المرأة المحترمة من غیر عقد ولا شبهة

(وطی مرد در فرج زن محترمه بدون عقد و شبهه)

شرط محترمه بودن زن (یعنی زنی که زن آزاد و مسلمان و محصنه باشد) در برخی تعاریف لحاظ می‌شود، که البته بر مبنای حکم حد در موارد زنا با زن غیرمحترمه اختلافاتی است؛ در برخی روایات فقهی آمده است که «لا حدّ علی من زنی بزانیة» (بر زنا با زن زانیه حد جاری نمی‌شود)، ولی اجماع بر تعزیر وجود دارد؛ همچنین فقهایی چون شیخ طوسی، علامه حلی، امام خمینی و محقق حلی بر این نظر هستند؛ (فلسفه این حکم این است که حد جنبه بازدارنده شدید دارد و برای حمایت از خانواده و حرمت نوامیس محترمه تشریع شده، اما در مورد زانیه حرفه‌ای، این انگیزه تقنینی متفاوت است).

### ب) تعریف قانونی زنا

در ماده ۲۲۱ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) آمده است:

«زنا عبارت است از جماع مرد و زنی که علقه زوجیت بین آن‌ها نباشد و از موارد وطی به شبهه نیز نباشد.»

در این تعریف قانونی نیز ملاک، وجود رابطه جنسی بدون ازدواج و بدون شبهه است. این تعریف منطبق بر دیدگاه فقهی مشهور است.

### ج) تعریف تجاوز جنسی

تجاوز جنسی در اصطلاح حقوقی، به هرگونه رفتار جنسی ناخواسته که با تهدید، اجبار، اکراه یا بدون رضایت قربانی انجام شود اطلاق می‌گردد. در قوانین کیفری ایران، عنوان خاص «تجاوز جنسی» تعریف نشده است، بلکه از آن تحت عنوان «زنا» به «زنا» یا «زنا با اکراه»، «زنا با اغفال»، یا «زنا با فرد ناتوان ذهنی» یاد می‌شود.

در ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی آمده است که:

«حد زنا در موارد زیر اعدام است: الف) زنا با محارم نسبی ب) زنا با زن پدر که موجب اعدام زانی است. پ) زنا با زن غیرمسلمان یا زن مسلمان که موجب اعدام زانی است.»

در نتیجه، تجاوز جنسی در ساختار حقوق کیفری ایران، در قالب نوعی زنا با وصف مشدد (یعنی زنا با اکراه) تلقی می‌شود.

### ۲- تفاوت‌های زنا و تجاوز جنسی در فقه و حقوق

در فقه امامیه و حقوق کیفری ایران، زنا و تجاوز جنسی هرچند ممکن است از حیث ظاهر فعل (ارتکاب رابطه‌ی جنسی بدون مجوز شرعی) شباهت‌هایی داشته باشند، اما از نظر ماهیت فقهی، عناصر تشکیل‌دهنده، قصد و رضایت، و آثار حقوقی تفاوت‌های بنیادی دارند.

در فقه اسلامی، زنا به معنای رابطه‌ی جنسی (از قبیل دخول) بین زن و مردی است که فاقد رابطه‌ی زوجیت شرعی بوده و این رابطه با رضایت طرفین صورت گیرد. در این تعریف، «رضایت» یکی از ارکان اساسی تحقق زنا محسوب می‌شود. فقهایی چون شیخ طوسی، علامه حلی و محقق نجفی در آثار خود تصریح کرده‌اند که در تحقق زنا، رضایت زن و مرد فرض شده و در صورت فقدان رضایت، عنوان زنا صادق نیست، بلکه وارد قلمرو جرم تجاوز (زنا با اکراه یا اغفال) می‌شود. مستقلی در فقه و حقوق دارد.

در مقابل، تجاوز جنسی یا زنا با اکراه یا اغفال به معنای رابطه‌ی جنسی است که بدون رضایت زن و معمولاً با اعمال زور، تهدید، اکراه یا بی‌هوشی و فریب صورت می‌گیرد. از نظر فقهی، این عمل نیز نوعی زنا محسوب می‌شود، اما از حیث شدت جرم، اثبات، مجازات و شرایط فاعل و مفعول با زنا تفاوت دارد. برای مثال، در تجاوز، رضایت زن منتفی است و به همین جهت، فاعل آن مستوجب شدیدترین مجازات (حد زنا با اکراه یا اغفال) می‌باشد.

در قانون مجازات اسلامی نیز، ماده‌ی ۲۲۴ تا ۲۲۹ ناظر به تعریف و مجازات زناست. در تبصره ماده ۲۲۴، قانون‌گذار اشاره کرده که زنا با اکراه یا اغفال به معنای زنا با اکراه یا اغفال است. همچنین، تجاوز در صورتی که همراه با اکراه، تهدید یا اغفال

باشد، می‌تواند علاوه بر حد، با مجازات‌های تعزیری مانند قصاص یا اعدام (به استناد ماده ۲۸۶ ق.م.ا. به عنوان مفسد فی الارض) مواجه شود.

از نظر ادله اثباتی نیز تفاوت‌هایی وجود دارد: در زنا، شهادت چهار مرد عادل یا چهار مرتبه اقرار موجب اثبات است؛ در تجاوز، با توجه به عدم رضایت زن و حالت خاص وقوع جرم، ادله‌ی پزشکی قانونی، آثار مقاومت بدنی، و نظر کارشناسی پزشکی قانونی نقش بسیار پررنگ‌تری در اثبات ایفا می‌کند.

همچنین از منظر آثار مدنی و اجتماعی، در زنا، مسأله‌ی نسب، حضانت، مهریه، و عده متأثر از ماهیت رضایتمند رابطه است؛ اما در تجاوز جنسی، به علت فقدان رضایت، اثبات نسب طفل ناشی از تجاوز، شناسایی حقوقی پدر، و امکان سرپرستی قانونی با موانع جدی فقهی و حقوقی مواجه است.

در مجموع، هرچند زنا و تجاوز از حیث ماهیت جنسی بودن عمل شباهت‌هایی دارند، اما در ارکان، رضایت، مجازات، ادله اثبات و آثار فقهی-حقوقی، کاملاً متمایز از یکدیگرند و در بررسی وضعیت طفل ناشی از تجاوز، شناخت دقیق این تفاوت‌ها نقش اساسی در استنباط احکام و تحلیل وضعیت حقوقی دارد.

### ۳- ارکان تجاوز جنسی از منظر فقه و حقوق

برای تحقق تجاوز جنسی، ارکان زیر رباید احراز گردد:

#### الف) رکن مادی

- عمل جماع یا دخول ولو به اندازه ختنه گاه
- اکراه یا اجبار یا تهدید (فیزیکی، روانی، مالی یا اجتماعی)
- فقدان رضایت واقعی یا قانونی زن (در حالت خواب، مستی، ناتوانی ذهنی، کودک بودن)

#### ب) رکن معنوی

قصد انجام عمل جنسی با علم به عدم رضایت  
سوءنیت کیفری در آزار جنسی یا سلب اراده قربانی

#### ج) رکن قانونی

- نص قانونی در ماده ۲۲۴
- شرایط اثبات طبق مواد ۲۱۲، ۲۰۰، ۱۱۹ قانون مجازات اسلامی
- ارائه مدرک پزشکی قانونی، گواهی های روان پزشکی و DNA

### ۴- نکات نوین فقهی و تطبیقی

- عدم شرط بودن بلوغ برای تحقق زنا در صورت دخول (چه در فقه و چه در قانون)
- لزوم دقیق در تمایز میان زنا و تجاوز به استناد روان شناسی قربانی (مثلاً سکوت ناشی از ترس را نباید رضایت تلقی کرد)
- مسئله‌ی رضایت‌نمایی ساختگی در روابط قدرت (رابطه ارباب-کارگری، استاد-دانشجو، مامور-مراجع و...) که در فقه باید به صورت اجتهادی مورد بحث قرار گیرد
- تحلیل تجاوز جنسی در فقه سنتی ذیل افساد فی الارض و حتی در موارد خاص قصاص قرار می‌گیرد.

پس در نتیجه تجاوز جنسی از منظر فقه و حقوق ایران، با آن که در قالب زنا به عرف تعریف شده است، ابعادی فراتر از زنا دارد و نیازمند تحلیل دقیق تر در ارکان، آثار و روش اثبات است. تمایز دقیق میان «زنا» و «تجاوز» به ویژه در پرونده‌هایی که به تولد طفل ناشی از تجاوز منجر می‌شوند، ضرورتی غیرقابل انکار برای نظام قانون گذاری و دادرسی است. همچنین توجه به تفاوت‌های روانی، اجتماعی، و جنسیتی قربانیان در فقه تطبیقی و حقوق بشر اسلامی، زمینه‌ساز بازنگری در تحلیل‌ها و سیاست گذاری‌های حمایتی خواهد بود.

## بخش دوم: بررسی فقهی و حقوقی رابطه نسب میان طفل ناشی از تجاوز با تاکید بر دیدگاه فقها و قرآن و حقوق موضوعه ایران

یکی از پیچیده‌ترین و چالش برانگیزترین مباحث فقهی و حقوقی در حوزه احوال شخصیه، بحث درباره «نسب طفل ناشی از زنا به عرف» است. این موضوع به ویژه در نظام‌هایی مانند حقوق ایران که متأثر از فقه امامیه‌اند، محل اختلاف آراء و مواجهه با خلأهای قانون گذاری است. مسئله این است که آیا بین طفل ناشی از زنا به عرف و مرد زانی (در حکم تجاوزگر) رابطه نسب مشروع و آثار مترتب بر آن چون ارث، ولایت، حضانت، و نفقه برقرار می‌شود یا خیر. پرسش مهم تر این است که آیا تفاوتی میان زنا به عرف و زنا به رضایت در این خصوص وجود دارد؟

### ۵- دیدگاه فقهی و قرآن درباره رابطه نسب طفل زنازاده با پدر ژنتیکی

در فقه امامیه، مبنای انتساب نسب شرعی به رابطه‌ی مشروع جنسی میان زن و مرد در چارچوب عقد نکاح صحیح است. به همین دلیل، نسب حاصل از زنا، چه با رضایت و چه به عرف، مشروع شمرده نمی‌شود. مشهور فقهای امامیه معتقدند که طفل زنازاده به زانی (پدر بی عقد) منتسب نمی‌شود و رابطه‌ی نسب میان آن دو محقق نمی‌گردد.

- علامه حلی در تذکره الفقهاء می‌نویسد:

«ولد الزنا لا يلحق بأبيه؛ لأنه لا سبب شرعی بین الزانی و الزانیة»

یعنی فرزند ناشی از زنا به زانی ملحق نمی‌شود، زیرا سبب شرعی‌ای بین آن‌ها وجود ندارد.

- شیخ مفید نیز در المقنعة به صراحت می‌گوید که طفل ناشی از زنا نه ارث می‌برد و نه ولایت دارد و نه به پدر زانی ملحق می‌شود

- امام خمینی (ره) در تحریرالوسیله دیدگاهی هماهنگ با فقهای متقدم دارد و تصریح می‌کند

«الولد لناتج من الزنا لا يلحق بالزانی و لا یترب علیہ أحكام الإرث و الولایة»

یعنی طفل حاصل از زنا به زانی ملحق نمی‌شود و احکام ارث و ولایت بر او مترتب نمی‌گردد.

بر همین اساس، حتی در موارد زنا به عنف که زن قربانی تجاوز بوده و هیچ گونه رضایتی نداشته، باز هم نظر مشهور فقها این است که رابطه‌ی نسبی میان طفل و مرد زانی برقرار نمی‌شود. در واقع، از منظر فقهی، تفاوتی میان زنا با رضایت و زنا به عنف در خصوص عدم الحاق نسب نیست؛ چراکه در هر دو مورد، سبب تولد نامشروع و فاقد مبنای شرعی مشروعیت عقد است.

دیدگاه قرآن کریم درباره‌ی نسب طفل ناشی از زنا یا تجاوز جنسی به‌طور مستقیم و صریح در آیات بیان نشده است، اما با دقت در آیات مربوط به نسب، نکاح، و احکام خانواده می‌توان دریافت که قرآن میان نسب مشروع (برآمده از نکاح صحیح) و نسب نامشروع (زنا یا تجاوز) تفکیک می‌کند. نکات مهم عبارت‌اند از:

«وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ...» (نور/۳۲) از این آیه و مانند آن استفاده می‌شود که نسب تنها در چارچوب ازدواج مشروع شکل می‌گیرد).

در مقابل، قرآن زنا را به‌شدت نهی کرده و آن را «فاحشه» و «سبیل سوء» معرفی کرده است:

«وَلَا تَقْرَبُوا الزَّانِيَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا» (اسراء/۳۲) بدین‌سان، زنا بستر مشروع برای ایجاد رابطه خویشاوندی و نسب تلقی نمی‌شود).

قرآن همواره مادر را به عنوان منشأ واقعی ولادت می‌شناسد:

«إِنَّ أُمَّهَاتَهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ» (مجادله/۲) (این آیه نشان می‌دهد که مادر، به صرف ولادت، مادر واقعی و قانونی طفل است. بنابراین در مورد طفل زنا یا تجاوز نیز نسب به مادر محقق است).

قرآن به‌صراحت تجاوز جنسی را به عنوان جرم مستقل بیان نکرده، اما در ضمن حرمت زنا و اجبار جنسی (نساء/۱۹) و نیز تاکید بر عدم اکراه در نکاح، می‌توان آن را برداشت کرد؛ از منظر قرآن، چون تجاوز هم در حکم زناست و فاقد عقد نکاح است، کودک متولد از آن نیز تنها به مادر ملحق می‌شود.

## ۶- تحلیل ماده ۱۱۶۷ قانون مدنی ایران از منظر فقه و حقوق

این ماده برگرفته از نظر مشهور فقهای امامیه است که قائل‌اند:

والد الزنا تنها به مادر خود ملحق می‌شود و نسبت به پدر زانی ملحق نمی‌شود.

این حکم مبتنی بر ادله همچون روایات معتبر، اصول فقهی (مانند اصل عدم) و تحلیل‌های اجتهادی فقها است.

مهم‌ترین مستندات فقهی:

روایت نبوی مشهور: الولد للفراس و للعاهر الحجر.

ترجمه: فرزند از آن بستر (شوهر مشروع زن) است، و سزای زناکار را سنگسار (به معنای رد شدن نسب) است.

در نتیجه از این روایت می‌شود دریافت که در زنا، نسب ایجاد نمی‌شود.

## ۷- بررسی آرای وحدت رویه، نظریات مشورتی و رویه قضایی

• رای وحدت رویه قضایی

رأی وحدت رویه شماره ۶۱۷ مورخ ۱۳۷۶/۴/۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، ناظر بر دعوی بود که در آن زنی از رابطه نامشروع باردار شده و شوهر وی منکر نسب طفل بود. دیوان با استناد به ماده ۱۱۶۷ قانون مدنی و مبانی فقه امامیه (از جمله مسائل ۳ و ۴۷ تحریرالوسیله)، مقرر کرد که طفل متولد از زنا به پدر زانی ملحق نمی‌شود و آزمایش ژنتیک یا شهادت نیز موجب اثبات نسب نیست. با این حال، رأی یادشده با پذیرش مفهوم «نسب عرفی»، لزوم انجام تکالیف قانونی از سوی پدر بیولوژیک، از جمله اخذ شناسنامه، را تأیید کرده و از این جهت گامی مهم در حمایت از حقوق طفل ناشی از رابطه نامشروع محسوب می‌شود.

### نظریات مشورتی

#### • اداره کل حقوقی قوه قضائیه - مفهوم عبارت آزار جنسی

در راستای موضوع «وضعیت فقهی و حقوقی طفل ناشی از تجاوز»، نظریه مشورتی شماره ۷۶۵/۱۴۰۲/۷ مورخ ۱۴۰۲/۱۱/۴ اداره کل حقوقی قوه قضائیه، مفهوم «آزار جنسی» را به‌طور جامع‌تری تبیین کرده است. این نظریه بیان می‌کند که «آزار جنسی» شامل تمامی رفتارهای جنسی اعم از تماس فیزیکی یا بدون تماس، که بدون رضایت و تمایل طرف مقابل و به قصد التذاذ یا آزار صورت می‌گیرد، می‌باشد. این اعمال ممکن است باعث آسیب به شخصیت مادی یا معنوی فرد شده و موجبات ناراحتی وی را فراهم نماید. بنابراین، «اعمال منافی عفت» تنها بخشی از مصادیق آزار جنسی هستند که در قوانین با عناوین و مجازات خاص آمده‌اند و دامنه «آزار جنسی» فراتر از این عناوین است؛ این تبیین، کمک می‌کند تا جرم تجاوز به کودکان یا زنان را در چارچوب حمایتی گسترده‌تری قرار دهیم و از صرفاً نگاه کیفری به آن، به رویکردی جامع‌تر در حمایت از حقوق فردی و اجتماعی آنان برسیم.

#### بخش سوم: وضعیت سرپرستی و حضانت و حمایت اجتماعی از طفل

یکی از چالش‌های اساسی در مواجهه با طفل ناشی از تجاوز، تعیین وضعیت سرپرستی و نحوه حمایت‌های اجتماعی از وی است. با توجه به عدم الحاق نسبی طفل به پدر، سرپرستی و مسئولیت نگهداری این کودکان بر دوش مادر یا نهادهای حمایتی می‌افتد. در این بخش، ضمن بررسی قوانین مربوط به سرپرستی در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست، عملکرد نهادهای حمایتی مانند بهزیستی و کمیته امداد تحلیل می‌شود. همچنین چالش‌های موجود در تأمین امنیت روانی، مادی و اجتماعی این کودکان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

#### ۸- مقررات ایران درباره سرپرستی (قانون حمایت از کودکان بی سرپرست و بدسرپرست)

در نظام حقوقی ایران، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲ (ماده ۴۱) به عنوان مهم‌ترین چارچوب قانونی حمایت و سرپرستی کودکان فاقد سرپرست شناخته می‌شود. این قانون نهادها و مراجع ذیصلاح را مکلف به تأمین سرپرستی، مراقبت و حمایت از کودکان بدون سرپرست و بدسرپرست می‌داند و در مواردی که طفل ناشی از تجاوز فاقد پدر شناخته شده باشد، حمایت‌های مادی و معنوی را تضمین می‌کند. علاوه بر آن، مواد مختلف

قانون مدنی (ماده ۱۱۷۰) و قانون حمایت خانواده (مواد ۴ و ۵)، حقوق مادر در حضانت و سرپرستی طفل را مشخص ساخته و با توجه به غیاب نسب شرعی به پدر، امکان واگذاری سرپرستی به مادر یا نهادهای حمایتی فراهم آمده است.

#### ۹- موانع شرعی و قانونی سرپرستی طفل

اصل عدم الحاق نسب شرعی به پدر ناشی از تجاوز، که در ماده ۱۱۶۷ قانون مدنی و رأی وحدت رویه شماره ۶۱۷ دیوان عالی کشور تأیید شده، مهم‌ترین مانع حقوقی برای سرپرستی این کودکان است. این قاعده باعث می‌شود پدر بیولوژیک از نظر شرعی و قانونی حق ولایت و سرپرستی نداشته باشد؛ علاوه بر این، محدودیت‌های قانونی در حضانت و سرپرستی، همچون اولویت مادر و احراز صلاحیت سرپرست مشکلاتی را در تأمین حمایت حقوقی و اجتماعی کودک ایجاد می‌کند. و ثبت نسب و صدور شناسنامه برای کودک با نام پدر دشوار گردد این موانع، ضرورت اصلاح قوانین و تقویت نهادهای حمایتی را برای حفاظت از حقوق طفل ناشی از تجاوز برجسته می‌سازد.

#### ۱۰- چالش‌ها در اجرا، ثبت ولایت و شناسنامه و پذیرش در نهادهای حمایتی

در عمل، مشکلاتی مانند عدم ثبت نسب پدر در شناسنامه (ماده ۲۰ قانون ثبت احوال)، پیچیدگی در ثبت ولایت و اخذ شناسنامه برای این کودکان وجود دارد که می‌تواند منجر به بی‌هویتی حقوقی و اجتماعی آنان شود. پذیرش این کودکان در نهادهای حمایتی نظیر سازمان بهزیستی (ماده ۷ قانون حمایت) و کمیته امداد با مشکلات اداری، فرهنگی و اجتماعی همراه است. فقدان اسناد هویتی و مشکلات مربوط به ثبت احوال، موانع عمده در دستیابی به حمایت‌های لازم را ایجاد می‌کند.

#### ۱۱- چالش‌های طفل ناشی از تجاوز برای تحصیل، بیمه و اشتغال در نهاد های دولتی

کودکان ناشی از تجاوز به دلیل فقدان هویت قانونی و شناسنامه معتبر، با موانع جدی در دسترسی به حقوق اساسی مانند تحصیل، بیمه درمانی و اشتغال مواجه‌اند. بر اساس ماده ۳۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تحصیل حق همگان است و نباید مانعی بر سر راه آن وجود داشته باشد، اما بی‌هویتی حقوقی عملاً ثبت‌نام در مدارس را برای این کودکان دشوار می‌سازد؛ علاوه بر این، نداشتن مدارک شناسایی معتبر باعث محدودیت در بهره‌مندی از خدمات بیمه‌ای و حمایت‌های اجتماعی (مطابق قوانین بیمه اجتماعی و حمایت خانواده) می‌شود که می‌تواند سلامت جسمی و روانی آنان را تهدید کند. این وضعیت همچنین امکان دسترسی به اشتغال مشروع و قانونی را در آینده محدود می‌کند و زمینه‌ساز آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی گسترده‌ای می‌گردد؛ بنابراین، مشکلات ناشی از فقدان هویت حقوقی، نیازمند توجه ویژه قانون‌گذاران و نهادهای حمایتی برای تسهیل ثبت و پذیرش این کودکان در نظام‌های آموزشی، درمانی و اجتماعی است.

#### ۱۲- وضعیت مادر از حیث ولایت و حضانت و سرپرستی

ماده ۱۱۷۰ قانون مدنی و ماده ۱۶۶ قانون حمایت خانواده، مادر را به عنوان اولویت در حضانت و سرپرستی طفل شناخته‌اند. با توجه به فقدان نسب شرعی طفل به پدر، مادر معمولاً سرپرست اصلی محسوب می‌شود، اما مسئولیت‌های مالی و اجتماعی فراوان، موجب مشکلات متعدد برای این زنان می‌گردد. حمایت‌های قانونی و نهادی از مادران سرپرست، علی‌رغم وجود مقررات، در عمل ناکافی است.

#### ۱۳- بررسی نظریه های فقهی پیرامون امکان ولایت و کفالت و سرپرستی اجتماعی طفل

بسیاری از فقها بر اساس قواعد کلی فقهی همچون اصل مصلحت کودک (مصلحه الطفل) و ضرورت حفظ کرامت انسانی، نظریات متنوع و تطبیقی ارائه کرده‌اند که در جهت جبران خلأهای قانونی و حمایت از حقوق طفل تنظیم شده است؛ این نظریه‌ها ضمن احترام به اصول نسب شرعی، به گونه‌ای عمل می‌کنند که طفل از حمایت‌های حقوقی، عاطفی و اجتماعی محروم نماند و بتواند از حقوق بنیادین خود بهره‌مند شود؛ در حوزه فقه امامیه، چند تن از فقهای برجسته که درباره ولایت عرفی، کفالت و مسائل مرتبط با سرپرستی طفل ناشی از رابطه نامشروع دیدگاه‌هایی مطرح کرده‌اند عبارتند از:

حضرت امام خمینی در کتاب «تحریر الوسیله» (مسائل ۳ و ۴۷) به موضوع نسب و ولایت عرفی اشاره کرده و ضمن تأکید بر عدم الحاق نسب شرعی به پدر ناشی از زنا، امکان ولایت عرفی و کفالت اجتماعی را مطرح کرده‌اند؛ و علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، ایشان به مسأله مصلحت طفل و اهمیت حمایت اجتماعی تأکید دارند. هرچند بحث مستقیم درباره ولایت عرفی مطرح نشده اما مباحث مرتبط با حفظ کرامت انسانی و حمایت از کودک در آیات و روایات آمده است؛ همچنین آیت الله خویی در کتاب «البحث الخارجی فی الفقه الجعفری» و برخی رسائل فقهی، بر ضرورت حفظ منافع طفل و امکان ولایت عرفی در موارد خاص تأکید دارند؛ و آیت الله بهجت نیز در برخی از فتاوی خود به شرایط استثنایی که امکان ولایت عرفی و کفالت اجتماعی برای حفظ منافع طفل فراهم می‌شود، اشاره کرده‌اند.

این فقها در آثار و فتاوی خود، بر ضرورت حمایت حقوقی و اجتماعی طفل ناشی از رابطه نامشروع تأکید کرده‌اند و راهکارهایی را برای رفع خلأهای شرعی ارائه داده‌اند. البته دیدگاه‌ها ممکن است در جزئیات متفاوت باشد اما در کلیت به حفظ حقوق طفل توجه ویژه‌ای دارند.

## بخش چهارم: تحلیل تطبیقی و نقد حقوقی

### ۱۴- بررسی و تحلیل برخورد نظام های حقوقی دیگر کشورها

نظام‌های حقوقی کشورهای دیگر، گرچه غالباً اصل عدم الحاق نسب شرعی به پدر ناشی از تجاوز را پذیرفته‌اند، اما حمایت‌های گسترده‌تر و متفاوتی را برای کودکان فاقد نسب فراهم آورده‌اند.

- در حقوق فرانسه، ماده ۳۱۱-۲۵ قانون مدنی نسبت شرعی به پدر ناشی از تجاوز را مشروع میدانند و مشابه حقوق آمریکا و انگلیس است و ماده ۱۱۱L-۱ قانون حمایت اجتماعی فرانسه، مصلحت کودک را در اولویت قرار داده و نهادهای حمایتی را موظف به تأمین نیازهای آموزشی، بهداشتی و رفاهی وی می‌سازد.
- در تونس، مواد ۱۴۹ و ۱۵۰ قانون مدنی نسبت شرعی به پدر ناشی از رابطه نامشروع را نمی‌پذیرند، ولی قانون حمایت از کودکان (قانون شماره ۹۵-۷۳) با ایجاد سازوکارهای سرپرستی و حمایت اجتماعی، از حقوق کودکان فاقد نسب شرعی پاسداری می‌کند.

- قانون مدنی مصر در ماده ۱۴۶ نیز نسب طفل ناشی از زنا به پدر را منتفی می‌داند، اما قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۹۹۶، وظایف گسترده‌ای در تأمین آموزش، بهداشت و سرپرستی کودک فاقد نسب شرعی برای نهادهای دولتی قائل است.
- در اندونزی، Kitab Undang-Undang Hukum Perdata (KUHPdt) نسب شرعی به پدر ناشی از تجاوز را نمی‌پذیرد، اما قانون حمایت کودکان مصوب ۲۰۰۲، به نهادهای دولتی و سازمان‌های غیردولتی مسئولیت حمایت از آموزش، بهداشت و تأمین اجتماعی کودکان فاقد نسب شرعی را محول کرده است.

این مقایسه نشان می‌دهد که گرچه نظام حقوقی ایران از کودکان بی سرپرست حمایت می‌کند اما در عمل باید تقویت شوند و هرچند در کشور های دیگر و برخی نظام‌های حقوقی یادشده مانند ایران نسب شرعی را به پدر ناشی از تجاوز نمی‌دهند، اما به طور هم‌زمان با تکیه بر اصول مصلحت و حمایت از حقوق بشر، چارچوب‌های قانونی و نهادی گسترده‌ای برای حمایت از کودکان فاقد نسب فراهم ساخته‌اند. این رویکرد تطبیقی می‌تواند الگویی ارزشمند برای نظام حقوقی ایران باشد تا ضمن رعایت آموزه‌های فقهی، حمایت‌های حقوقی و اجتماعی موثرتری از کودکان ناشی از تجاوز به عمل آید.

#### پیشنهادهای زیر برای بهبود وضعیت فقهی و حقوقی طفل ناشی از تجاوز

- اصلاح یا تفسیر ماده ۱۱۶۷ قانون مدنی به نحوی که ضمن حفظ اصل عدم الحاق نسب شرعی، امکان ثبت ولایت عرفی و اعطای شناسنامه به کودک فراهم گردد.
- ایجاد و تقویت نهادهای حمایتی تخصصی از مادر و طفل در چارچوب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان برای پیگیری سرپرستی، تحصیل، درمان و بیمه این کودکان.
- صدور فتاوی جدید از سوی فقهای معاصر درباره امکان حضانت و کفالت طفل توسط پدر عرفی، با توجه به مصالح کودک و مصلحت عامه.
- تشویق همکاری میان دستگاه‌های قضایی، پزشکی قانونی و نهادهای حمایتی به منظور تسریع در شناسایی و حمایت قانونی از این کودکان.
- ترویج آگاهی اجتماعی و فرهنگی نسبت به حقوق طفل ناشی از تجاوز و رفع تبعیض‌ها و انگ‌های اجتماعی.

#### نتیجه گیری

موضوع طفل ناشی از تجاوز، یکی از پیچیده‌ترین و حساس‌ترین مسائل فقهی و حقوقی است که با چالش‌های گسترده‌ای در حوزه نسب، سرپرستی و حمایت اجتماعی روبروست. بررسی‌های فقهی نشان می‌دهد که آموزه‌های اسلام، با حفظ حرمت خانواده و نظم نسب، اصل عدم الحاق نسب به پدر ناشی از رابطه نامشروع را تأکید کرده‌اند. مسئله ۳ و ۴۷ تحریرالوسیله و رأی وحدت رویه شماره ۶۱۷ دیوان عالی کشور مبنای حقوقی این دیدگاه در ایران است. با این حال، این قواعد سنتی، بدون ارائه سازوکارهای حمایتی متناسب، عملاً موجب بی‌هویتی حقوقی و محرومیت این کودکان از حقوق اولیه انسانی مانند دریافت شناسنامه، بهره‌مندی از حمایت قانونی، سرپرستی مناسب، حق تحصیل، درمان و تأمین اجتماعی شده است.

از سوی دیگر، آموزه‌های اسلام همواره نگاه انسان‌مدارانه و رحمانی به انسان، به ویژه کودکان در شرایط آسیب‌پذیر، دارد. اصل حفظ جان، کرامت انسانی و حمایت از مظلومان در فقه اسلامی بر لزوم تجدیدنظر و تبیین راهکارهای نوین تأکید می‌کند. فقه پویا و متناسب با شرایط روز، می‌تواند و باید خلأهای حقوقی موجود را با صدور فتاوی جدید و انعطاف‌پذیر پاسخگو باشد؛ به گونه‌ای که کودک ناشی از تجاوز از حمایت‌های حضانت، کفالت و سرپرستی بهره‌مند شود و هویت حقوقی و اجتماعی خود را بیابد.

در حوزه حقوق ایران نیز، ضرورت روزآمدسازی قوانین مرتبط با طفل ناشی از تجاوز کاملاً مشهود است. ماده ۱۱۶۷ قانون مدنی که منع نسب به پدر ناشی از رابطه نامشروع را مقرر می‌دارد، نیازمند اصلاح و یا حداقل تفسیر تطبیقی و یا حتی تبصره‌ای در ذیل ایت ماده است تا موانع ثبت ولایت و شناسنامه کودک برطرف شده و راه برای اعطای هویت رسمی باز شود. همچنین قوانین حمایتی نظیر قانون حمایت از کودکان و نوجوانان و قانون حمایت از ایتم باید با رویکردی فراگیرتر، مسائل خاص این کودکان را در نظر گرفته و از آنجا که برای ثبت نام برای آزمون یا استخدام در نهادی و یا آموزش، در فرم‌ها نیاز به اسم پدر است امید است که نهادهای دولتی و مدنی را مسئول اجرای سرپرستی و حمایت‌های لازم کنند.

از سوی دیگر، فقهای معاصر و مجتهدان برجسته باید با استنباط‌های نوآورانه، امکان حضانت و کفالت طفل ناشی از تجاوز را توسط پدر عرفی (زانی) بررسی و فتاوی حمایتی صادر نمایند تا کودک از حمایت کامل برخوردار گردد و جامعه نیز در قبال این کودک مسئولیت اجتماعی خود را به طور جامع ایفا کند.

## منابع

- [۱] قانون حمایت خانواده، ماده ۱۱۶-۴، مصوب ۱۳۹۱.
- [۲] قانون مجازات اسلامی، مواد ۲۲۱-۲۲۴، مصوب ۱۳۹۲.
- [۳] طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۷ق)، الخلاف، قم: جامعه مدرسین، ج ۵.
- [۴] حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۲۰ق)، تذکره الفقهاء، قم: مؤسسه آل‌البیت (ع) لإحياء التراث، ج ۲.
- [۵] صادقی محمد و مرادی حسن، (۱۳۹۹). تحلیل فقهی وضعییت طفل ناشی از زنا. فصلنامه پژوهش نامه فقه و حقوق. سال پنجم شماره ۱۹. صص ۴۵-۶۸.
- [۶] عباسی محمود، (۱۳۹۶). چالش های حقوقی کودک بی هویت در ایران با تاکید بر اسناد بین المللی. فصلنامه مطالعات حقوق تطبیقی سال ۹. شماره ۳۵ صص ۱۱۲-۱۳۵.
- [۷] خلیلی احمد رضا، (۱۳۹۷). بررسی تطبیقی حقوق طفل ناشی از زنا در فقه اسلامی و حقوق ایران. پایان نامه دکتری، دانشگاه قم.
- [۸] زارعی عباس. و طالب پور مریم، (۱۴۰۰). چالش های حقوقی اثبات بارداری ناشی از تجاوز جنسی در نظام کیفری ایران. فصلنامه پزشکی حقوقی عدل شماره ۱۲ صص ۷۸-۹۹.
- [۹] یوسف زاده ناهید، (۱۳۹۸). حقوق کودک در اسلام و اسناد بین المللی تقابل یا تعامل؟. فصلنامه حقوق بشر اسلامی سال ۴ شماره ۱۴، صص ۲۲۱-۲۴۰.
- [۱۰] یزدی، محمدحسین، (۱۴۰۴ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۴۱.

- [۱۱] مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳ق)، تذکره جهان شیخ مفید، ج ۱.
- [۱۲] خمینی، روح‌الله، (۱۳۷۹)، تحریر الوسیله، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۳.
- [۱۳] قانون مدنی ایران، مواد ۱۱۶۷-۱۱۷۰-۱۱۷۳، مصوب ۱۳۰۷ با اصلاحات بعدی.
- [۱۴] رأی وحدت رویه شماره ۶۱۷، هیأت عمومی دیوان عالی کشور.
- [۱۵] نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۲، ۷۶۵/۱۴۰۲/۴، اداره کل حقوق قوه قضائیه.
- [۱۶] رأی وحدت رویه شماره ۷۳۶، ۱۳۹۳/۴/۳، هیأت عمومی دیوان عالی کشور.
- [۱۷] نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۲، ۸۲۶/۱۴۰۲/۴، اداره کل حقوق قوه قضائیه.
- [۱۸] قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۳۰، مصوب ۱۳۵۸ با اصلاحات بعدی.
- [۱۹] طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۴.
- [۲۰] خوئی، ابوالقاسم، (۱۴۳۰ق)، البیع الخارج فی فقه الجعفری، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
- [۲۱] قانون حمایت کودکان و نوجوانان، ماده ۷، مصوب ۱۳۹۹.
- [۲۲] قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست، مواد ۱-۴، مصوب ۱۳۹۲.
- [۲۳] قانون ثبت احوال، ماده ۲۰، مصوب ۱۳۵۵ با اصلاحات بعدی.
- [۲۴] اردبیلی، محمدعلی، (۱۳۸۹)، حقوق جزای عمومی، تهران: میزان.
- [۲۵] محقق داماد، مصطفی، (۱۴۳۰ق)، بحوث فقهیه، قم: مؤسسه الوفاء، ج ۱، ص ۱۵۴.
- [۲۶] ابن فارس، احمد بن زکریا، (۱۴۲۲ق)، معجم مقاییس اللغة، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- [۲۷] ابن منظور، محمد بن مکرم (بی تا)، لسان العرب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۶.
- [۲۸] ابن نجیم، زین الدین، (بی تا)، البحر الرائق فی شرح کنز الدقائق، بیروت: المطبعة العلمیه، ج ۹.
- [۲۹] انصاری، سید محسن، (۱۴۳۰ق)، القواعد الفقهیه، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ج ۳.
- [۳۰] ازری، سید محمدسعید (۱۳۴۰ق)، احکام و حقوق زن در فقه امامیه، قم: آدابیسه، ج ۲.
- [۳۱] شهید ثانی، زین الدین بن علی، (۱۴۱۲ق)، مسالک الافهام إلى تنقیح شرائع الاسلام، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ج ۴.
- [۳۲] قرآن کریم، سوره نور/۳۲، سوره اسراء/۳۲، سوره احزاب/۵، سوره مجادله/۲، س.
- [۳۳] نباتی علی. و بخارائی مهلا. (۱۴۰۳). به رسمیت شناختن حق سقط جنین ناشی از تجاوز به عنف (مطالعه فقهی و حقوقی). مطالعات علوم انسانی شماره ۴۰.
- [۳۴] باقرزادگان امیر. فضلی حسن. و دالوند سیروس. (۱۴۰۳). مطالعه اکراه به زنا در حقوق کیفری ایران، مصر و انگلستان. آموزه های حقوق کیفری کشورهای اسلامی شماره ۳.
- [۳۵] قزوینی علی، شکرچی زاده حمیدرضا، حیدری محسن و محمدعلی. (۱۴۰۳). چالش های احراز عنف در جرائم جنسی در مرحله تحقیق و کشف جرم. پژوهش های اطلاعاتی و جنایی سال نوزدهم شماره ۲.

- [۳۶] صبوری پور مهدی. و حق بین فائزه. (۱۳۸۶). نوآوری ها و چالش های قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در پیشگیری از کودک آزاری. پژوهش های حقوقی.
- [۳۷] فرجی ها محمد. آذری هاجر. (۱۴۰۰). حمایت کیفری از زنان قربانی تجاوز به عنف در حقوق ایران. فصلنامه رفاه اجتماعی.
- [۳۸] عباسی عاطفه. (۱۳۹۷). سقط جنین ناشی از تجاوز به عنف. دوفصلنامه علمی ترویجی فقه و حقوق خانواده (ندای صادق) شماره ۶۸.
- [۳۹] حکمت فریبا. قیوم زاده محمود و حیدری عباسعلی. (۱۴۰۱). بررسی فقه حقوقی اجهاض حمل ناشی از تجاوز به عنف با تکیه بر دیدگاه فریقین. مطالعات فقهی و فلسفی. دوره ۱۳ شماره ۵۰ صص ۱۵-۲۵.
- [۴۰] خسروی سحر، تجاری زهرا و اسماعیلی علی اکبر. (۱۴۰۲). حقوق کیفری ناشی از زنا از منظر حقوق موضوعه ایران و فقه امامیه. فقه جزای تطبیقی ۱۵ صص ۳۴-۵۸.
- [۴۱] قاسمیان موحد محمدعلی. (۱۳۹۷). حقوق کودکان نامشروع در کنوانسیون حقوق کودک و قوانین اسلامی. سیویلیکا.
- [۴۲] جعفری علیرضا. (۱۴۰۱). بررسی حقوق کودکان طبیعی (نامشروع) در ایران و تطبیق آن با کنوانسیون حقوق کودک. پایان نامه کارشناسی ارشد، پژوهشگاه امام خمینی.
- [۴۳] ابراهیمی سعید. (۱۳۹۸). پایان نامه فقهی حقوقی اطفال نامشروع و چالش قانونی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی.
- [۴۴] موسوی حسین. (۱۳۹۹). بررسی تطبیقی حمایت حقوقی از اطفال نامشروع در فقه شیعه و سنی با حقوق ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور.
- [۴۵] ابن عابدین، محمدامین. (۱۳۹۶ق)، رد المختار علی الدر المختار، مصر: المطبعة الاميرية، ج ۲.
- [۴۶] کنوانسیون حقوق کودک (CRC). مصوب ۱۹۸۹ سازمان ملل متحد.
- [۴۷] اعلامیه جهانی حقوق بشر. مصوب ۱۹۴۸ سازمان ملل متحد.
- [۴۸] میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی. مصوب ۱۹۶۶.
- [۴۹] قانون مدنی فرانسه. ماده ۳۱۱-۲۵.
- [۵۰] قانون حمایت اجتماعی فرانسه. ماده ۱-۱۱۱.L.
- [۵۱] قانون مدنی تونس. مواد ۱۴۹ و ۱۵۰.
- [۵۲] قانون شماره ۷۳-۹۵ تونس. حمایت از کودکان.
- [۵۳] قانون مدنی. مصر. ماده ۱۴۶.
- [۵۴] قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصر. مصوب ۱۹۹۶.
- [۵۵] kitab undang-undang hokum perdata (kuhpdt) اندونزی.
- [۵۶] قانون حمایت کودکان اندونزی. مصوب ۲۰۰۲.